

# بررسی رابطه میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی در بین بختیاری‌ها

فرزین حاتمی کاکش \*

روزبه کردونی \*\*

## چکیده

در جامعه چند قومی ایران، هویت قومی یکی از مهم‌ترین هویت‌های جمعی است که سبب شناسایی و تمایز افراد از یکدیگر می‌شود. با این حال، برجسته شدن احساس هویت قومی، به ویژه برتری یافتن آن بر احساس هویت ملی، همواره از مهم‌ترین دغدغه‌های مرتبط با انسجام و یکپارچگی ملی محسوب می‌شود. از این رو، مقاله حاضر رابطه هویت قومی و هویت ملی در بین بختیاری‌های سه استان خوزستان، لرستان و چهارمحال بختیاری را بررسی می‌کند. پرسش اصلی این است که آیا بین میزان گرایش به هویت ملی و میزان گرایش به هویت قومی بختیاری‌ها رابطه وجود دارد؟ برای پاسخ به این پرسش و نیز سنجش و بررسی این رابطه برای هویت ملی چهار بعد تاریخی، جغرافیایی، زبانی و فرهنگی در نظر گرفته است. همچنین، هویت قومی نیز بر اساس چهار بعد تاریخی، زبانی، فرهنگی و مذهبی سنجیده شده است.

نتایج تحقیق از نمونه برای ۳۸۵ نفری، با نمونه‌گیری خوشه‌ای و به شیوه پیمایش، با استفاده از فرمول کوکران به دست آمده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد میزان گرایش به هویت قومی و میزان گرایش به هویت ملی نزد پاسخگویان در حد بالا و بین هویت ملی و هویت قومی رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

**واژگان کلیدی:** تاریخ، جغرافیا، زبان، فرهنگ، مذهب، هویت ملی، هویت قومی.

\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران

\*\* کارشناس ارشد رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

## مقدمه

مفهوم هویت یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی است که طرح مباحثی در باب منشأ و چگونگی پیدایش و تداوم هویت‌های جمعی کلان، چون هویت ملی و هویت قومی، بر گستردگی و پیچیدگی آن افزوده است. بنابراین، امروزه یکی از شاخص‌های منافع ملی و به تبع آن امنیت ملی کشورها بحث هویت ملی است. بحث هویت یکپارچه ملی همواره یکی از دغدغه‌های عمده کشورهای موزائیکی چون ایران بوده است. زیرا هویت ملی ایران شالوده مرکزی و واحدی ندارد و گاهی در مقابل هویت مشترک ایرانی که ریشه‌ای چند هزار ساله دارد، شاهد انشقاق‌های هویتی متأثر از قومیت‌ها بوده‌ایم. وفاق ملی و دولت ملی در کشور ما در سده حاضر با تهدیداتی مواجه بوده است که یکی از مهم‌ترین آنها از جانب، مسئله هویت قومی در بعضی از مناطق قومی کشور بوده است.

به علاوه، در اوضاع فوق‌العاده مهمی که طی آن تحولات جهانی به سرعت گسترش می‌یابد، جهانی شدن حتی اگر آن را هم جهانی‌سازی بخوانیم، آثار و نتایجی دارد که به ما مربوط می‌شود و شاید یکی از مهم‌ترین آنها کم‌رنگ شدن مرزهایی است که به سرعت مسائل داخلی ما را تحت تأثیر قرار داده و می‌دهد و باید به این مقوله بسیار مهم یعنی "هویت" بپردازیم. از طرفی جهانی شدن، حذف مرزها و تحلیل آداب و قوانین و مشخصات ملت‌ها در پدیده جهانی‌سازی واقعیت انکار ناپذیری است، ولی ملی بودن و حفظ و هویت ملی برای داشتن هویت ملی در مذاکره، گفت‌وگو، تبادل و تعامل با جهان امری لازم، حیاتی و سرنوشت ساز است و متأسفانه تلقی واژگونه‌ای وجود دارد که به سبب آن، با گسترش دامنه جهانی‌سازی و از طرفی دامن زدن به مسائل قومی، عرصه ملی روز به روز تنگ‌تر می‌شود. در حالی که می‌توان سه سطح متمایز برای شخصیت ملی و حقیقی افراد قائل شد و در عین پاسخگویی به تحولات پیرامونی و شناخت و به‌رمندی از مزایای جهانی شدن، می‌شود انسانی ملی و پایبند به فرهنگ و آداب ملی بود و در عین حال خرده‌فرهنگ‌های قومی را که مکمل و باعث تنوع و پویایی فرهنگی جامعه می‌شود، محترم شمرد و به سخن دیگر، از تقابل و تعارض این سه پدیده جلوگیری کرد و این نظریه را که انتخاب هر کدام مستلزم ترک و مخالفت با دیگری است نادیده گرفت (میرلوحی، ۱۳۸۳). بنابراین، هویت ملی از انواع هویت جمعی و به معنای همبستگی عاطفی با اجتماع بزرگ ملی و احساس وفاداری به آن است. هویت ملی در کشاکش تصور "ما" از "دیگران" شکل می‌گیرد. همچنین، ارتباط و تصادم مفهومی هویت ملی با هویت قومی برقرار می‌شود. هویت‌های قومی غالباً به مثابه واکنش‌هایی نسبت به شکل‌گیری ملت‌ها و هویت ملی مطرح می‌شوند. گاهی نیز شکل‌گیری هویت‌های قومی ناشی از زمینه‌های ویژه تاریخی و محزورات خاص مکانی، زمانی و اقلیمی است. هنگامی که از هویت قومی سخن به میان می‌آید، در حقیقت به مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مختلف نظیر زبان، تاریخ، سرزمین، مذهب و فرهنگ اشاره می‌شود که در برخورد با هویت ملی از جامعیت افتراق برخوردار است. در صورتی که هویت قومی به منزله پادگفتمانی در مقابل هویت ملی در نظر گرفته شود، همواره هویت ملی با بحران رو به رو خواهد شد.

بنابراین، در بین محققان این حوزه دو دیدگاه وجود دارد. گروهی که عقیده دارند هویت قومی و ملی، هم عرض یکدیگرند به قسمی که تقویت یکی به منزله تضعیف دیگری است. برخی دیگر بر این عقیده‌اند که تمایل هویت ملی با برخی تمایلات قومی نظیر گویش، آداب رسوم و مذهب با هم مغایرتی ندارند و

هویت‌های قومی در طول هویت ملی‌اند. در این باره، پژوهش حاضر درصدد است این دو دیدگاه را در یکی از مناطق قومی ایران بررسی کند و به این سوال پاسخ دهد که آیا عدم مغایرت فرهنگ قومی و ملی در مناطق آذری و کرد مورد تأیید قرار گرفته یا در سایر مناطق ایران تأیید می‌شود؟

در ایران، اقوام متعددی از جمله بختیاری‌ها زندگی می‌کنند. بختیاری‌ها در استان‌های متفاوت کشور پراکنده‌اند. می‌توان گفت بیشتر آنها در استان‌های خوزستان، چهار محال بختیاری، لرستان، اصفهان و کهگیلویه و بویر احمد ساکن‌اند و مشترکات تاریخی و فرهنگی بسیاری با سایر ایرانی‌ها دارند و همچنین، در طول تاریخ منطقه همواره حضور سیاسی- نظامی و اقتصادی موثری داشته‌اند، به ویژه حضور آنها در انقلاب مشروطه و دفاع مقدس بسیار نظرگیر است. بر این اساس، این سوال مطرح می‌شود که این ارتباط و تعامل چه تأثیری بر نگرش بختیاری‌ها نسبت به مؤلفه‌های هویت قومی و هویت کلان ملی گذاشته است؟ آیا بختیاری‌ها هویت قومی خود را در بستر هویت ملی و ایرانی‌ت خود می‌پسندند؟ در کل، پرسش این است که چه رابطه‌ای بین هویت ملی و هویت قومی بختیاری وجود دارد؟

بنابراین، امروزه اهمیت و ضرورت این تحقیق از این جهت است که ما به منزله کشوری متکثر و چند قومی دائماً نیازمند به برنامه و راهبرد و فعالیت مؤثری برای تقویت همگرایی و وحدتیم و برای پیگیری اهداف ملی باید عرصه همکاری، تفاهم و مشارکت را گسترش و زمینه‌های بدبینی و اختلاف را کاهش داد. غفلت از این مهم هزینه‌های هنگفتی را به کشور تحمیل می‌کند.

### پیشینه تحقیق

هر پروژه تحقیقی در نوعی پیوستار جا می‌گیرد. به این معنا که از کارهای تحقیقی قبلی اثر پذیرفته و بر کارهای بعدی اثر می‌گذارد. بنابراین، آشنایی با کارهای تحقیقاتی قبلی که درباره موضوع مشابه صورت گرفته و دانستن وجوه مشابهت و مفارقت تحقیق حاضر با آن ضروری به نظر می‌رسد. در واقع، هیچ‌کس نمی‌تواند مدعی باشد که بضاعت علمی‌اش او را از خوشه چینی از این دستاوردها بی‌نیاز می‌سازد. بنابراین، در این مقاله به تحقیقاتی که مستقیم یا غیرمستقیم به رابطه بین هویت ملی و قومی پرداخته‌اند، می‌پردازیم. با توجه به مطالعات اکتشافی اولیه‌ای که درباره موضوع پژوهش صورت گرفته است، مشاهده کردیم که تا کنون درباره بررسی هویت قومی و ملی در بین لرها (بختیاری‌ها) تحقیقی صورت نگرفته است، ولی در حوزه سایر اقوام ایرانی تحقیقات بسیار گسترده‌ای صورت گرفته که مورد استفاده نیز قرار می‌گیرد. در اینجا به ذکر تحقیقاتی که در ایران و خارج از کشور در زمینه هویت ملی و قومی صورت گرفته است می‌پردازیم.

چلبی در سال ۱۳۷۵ تحقیقی با عنوان " هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی " در ایران انجام داده است. این پژوهش مطالعه‌ای پیمایشی در سطح هفت قوم ترکمن، بلوچ، تالش، عرب، فارس زبان‌ها، کرد و لر بوده است. جامعه آماری این تحقیق افراد ۱۸ ساله و بالاتر از آن را در برمی‌گیرد. یافته‌های تحقیق نشان داده است که هویت و تعهد قومی نزد اقوام شدید نبوده و اقوام هفت‌گانه برای نمادهای قومی خود نسبت به سایر اقوام برتری قائل‌اند، اما به طور کلی احساس هویت و تعهد ملی نزد همه اقوام بالا بوده است. در مجموع، قوی‌ترین احساسات در بین ترکمن‌ها و تالش‌ها و ضعیف‌ترین احساسات در بین عرب‌ها و

کردها یافت شد. بین احساس تعهد و هویت ملی و احساس تعهد و هویت قومی رابطه‌ای مثبت وجود دارد و این دو نوع هویت جمعی یکدیگر را تقویت می‌کنند.

احمدلو (۱۳۸۱) نیز پژوهشی تحت عنوان " بررسی رابطه هویت ملی و هویت قومی " در بین جوانان گروه‌های سنی ۲۰ تا ۳۰ سال در شهر تبریز به انجام رسانده است. نگارنده در این پژوهش ضمن رد رابطه معکوس بین هویت ملی و هویت قومی، ادعا می‌کند این دو نوع هویت جمعی مانند بسته‌های اطلاعاتی‌اند که فرد در موقعیت‌های کنشی متفاوت از آنها سود می‌جوید. در این تحقیق، برای توضیح مسئله فوق به بررسی نظری هویت جمعی از دیدگاه جامعه‌شناسان و نحوه درونی کردن هویت جمعی از سوی فرد از طریق اجتماعی شدن و جامعه پذیری و نیز نظریه‌های دولت اجتماعی پرداخته شده و نیز پنج مؤلفه اساسی هویت ایرانیان ارزیابی و سنجش شده است. این پنج مؤلفه عبارت‌اند از زبان و ادبیات فارسی، میراث فرهنگی، مراسم ملی، نمادهای ملی، گذشته تاریخی و وابستگی ملی (قلمرو جغرافیای مردم ایران). گرایش سیاسی هویت قومی ترک‌های آذربایجان نیز دارای چهار مؤلفه اساسی است که مهم‌ترین مؤلفه آن زبان و ادبیات ترکی به شمار می‌آید. در مرحله بعد نیز حافظه تاریخی و سنتی، موسیقی سنتی و وابستگی قومی قرار دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد جوانان تبریزی رابطه مثبت بین هویت قومی و هویت ملی خود را درک می‌کنند. همچنین، احساس هویت ملی و قومی بالایی نیز دارند.

هیودی (۱۳۸۴) به پژوهش دیگری با عنوان " نقش تمایلات قومی در مشارکت سیاسی " در سطح استان خوزستان در بین شیوخ عرب پرداخته است. محقق در پی پاسخگویی به این پرسش است که آیا تمایلات قومی در فرایند مشارکت سیاسی استان خوزستان موثر بوده است یا خیر. او در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی که با استفاده از روش کتابخانه‌ای - اسنادی و مصاحبه با شیوخ منطقه انجام گرفته، استفاده کرده است. جامعه آماری این پژوهش مدیران سیاسی استان بر اساس بستگی قومی آنان است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، تعداد مدیریت‌های فارس زبانان نسبت به عرب‌ها در بسیاری از موارد بیشتر بوده است، اما شاخص‌های توسعه در اکثر موارد در مناطق عرب نشین توسعه یافتگی بیشتری را نشان می‌دهد.

سختاوتی‌فر (۱۳۸۶) نیز پژوهشی تحت عنوان " بررسی گرایش به هویت ملی و هویت قومی در ترکمن‌های ایران " انجام داده است. نگارنده در این پژوهش، همهٔ خانواده‌های ترکمن پنج شهر ترکمن‌نشین استان گلستان، یعنی آقلا، بندر ترکمن، گنبدکاووس، کلالة و مراوتپه، جامع آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند. فرضیه اصلی این تحقیق این است که بین میزان گرایش به هویت ملی و قومی ترکمن رابطه وجود دارد. متغیرهای اصلی شامل هویت ملی و قومی است که رابطه بین آن بررسی شده است. برای سنجش میزان گرایش به هویت ملی چهار مؤلفه در نظر گرفته شد که عبارت‌اند از میراث فرهنگی، زبان، سرزمین و تاریخ. همچنین، هویت قومی نیز بر اساس چهار مؤلفه که عبارت‌اند از میراث فرهنگی، زبان، مذهب و تاریخ سنجش شده است. نتایج به دست آمده از اطلاعات و داده‌های گردآوری شده حکایت از آن دارد که ترکمن‌ها هم گرایش بالایی به هویت قومی دارند و هم گرایش به هویت ملی در آنها بالا بوده و بین این دو نوع هویت همبستگی نسبتاً نیرومندی وجود دارد.

«هویت قومی، نگرش‌های دیگر گروهی و عملکرد روان‌شناسی اجتماعی نوجوانان آسیایی - آمریکایی از دو محیط»، تحقیق دیگری است که لیندا پی جونگ<sup>۱</sup> و لین<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) با توجه به نمونه‌های افراد نوجوان آسیایی - آمریکایی انجام داده‌اند. یکی از این تحقیق‌ها در محیطی به لحاظ قومی متمرکز و دیگری در یک محیط به لحاظ قومی متفرق (عمدتاً محیط سفیدپوستان) صورت گرفته است. هدف اصلی این تحقیق این بود که چگونه هویت قومی و نگرش‌های دیگر گروهی با عملکرد روانی - اجتماعی (یعنی افسردگی، اعتماد به نفس و وابستگی به والدین) ارتباط دارد و چگونه این ارتباطات با محیط متعادل شده‌اند. نتایج نشان داد که عملکرد هویت قومی از لحاظ اعتماد به نفس و وابستگی به والدین مثبت بود. به علاوه، تاثیرات متعادل نشان می‌داد که رابطه بین دیگر نگرش‌های قومی با محیط چندان تغییر نمی‌کند. هویت قومی بیشتر با عملکردهای مثبت از نظر افسردگی و وابستگی به والدین در رابطه بود که فقط در محیط از لحاظ قومیتی متمرکز بودند. جامعه آماری دو نمونه نوجوان آسیایی - آمریکایی، یکی در محیط متمرکز و دیگری در محیط متفرق، را شامل می‌شد. این محیط‌ها با یکدیگر از سه نظر متفاوت بودند: تکامل نهادی، تراکم گروهی قومی، قدرت و موقعیت قومی. طبق نتایج به دست آمده، تراکم قوی در محیط متمرکز بیشتر از محیط متفرق بود. در محیط متمرکز نیز ۳۱ درصد از کل جمعیت، آسیایی بودند. در کل عملکرد روانی اجتماعی، نتایج حاکی از آن بود که این دو نمونه در عملکرد روانی - اجتماعی با هم متفاوت نبود و سطوح یکسانی از افسردگی، اعتماد به نفس و وابستگی به والدین را دارا بودند.

تحقیق دیگری با عنوان "شکل‌گیری هویت قومی در طول دوره نوجوانی (نقش مهم و حساس خانواده)" به دست اومانا تیلور و نانا شاین<sup>۳</sup> در سال (۲۰۰۶) انجام گرفته که نوعی تحقیق بوم‌شناختی پیرامون هویت قومی بود. جامعه آماری این تحقیق شامل ۶۳۹ جوان هندی، چینی، فیلیپینی، ویتنامی و السالواری است. محققان با استفاده از شیوه برابری ساختاری و نیز مقایسه‌های گروهی پیچیده، به این نتیجه رسیدند که جامعه‌پذیری قومی خانوادگی، صرف نظر از پیشینه قومی نوجوانان، نقش قابل توجهی در شکل‌گیری هویت قومی آنها دارد. توضیحاتی که افراد درباره جامعه‌پذیری قومی خانواده خود می‌دادند با توضیحات آنها پیرامون بررسی، پذیرش، تأیید و احساس تعلق خاطر به پیشینه قومی شان، ارتباط چشمگیری داشت. این نتایج با نتیجه تجربه‌ای مطابقت داشت که جامعه‌پذیری قومی در میان خانواده را جزء اصلی و مهم تشکیل هویت قومی در بین کودکان می‌دانست. این نتایج همچنین با نظریه‌ای که درباره نوجوانان بیان شد و بر اهمیت نقش خانواده در روند شکل‌گیری هویت قومی تأکید می‌کرد نیز همخوانی داشته است.

## هویت ملی

هویت ملی را می‌توان محصول چارچوب فرهنگی بزرگی دانست که در آن، پیوندهای بی‌شمار و مجموعه‌هایی به وجود می‌آیند که مؤلفه‌های فرهنگی حول محور آنها شکل می‌گیرد. طبق این مفهوم،

1 -Linda P. Juang

2 -Lin

3 -Nana Shin

فرهنگ روندی است که دائماً در حال تغییر است و ناشی از پویایی فرهنگ عامه و زندگی روزمره مردمی است که میان محل زندگی خود و ملت، میان ملت و جامعه جهانی و نیز میان زندگی روزمره و زندگی غیرمعمول ارتباط برقرار می‌کنند. به گفته کوبیت،<sup>۱</sup> "هر تغییری در ملت‌های نهادینه صورت بگیرد و هر نهاد و سمبل عمیق و ریشه‌داری در آنها وجود داشته باشد، ملت‌ها مبهم و مرموز باقی می‌مانند. اما زمینه برای شرح و بازسازی همواره مهیاست" (کوبیت، ۱۹۹۸: ۱). با استفاده از معنای کنایی کلمه چارچوب، می‌توان بر پیچیدگی فرهنگ‌های هویت ملی تاکید ورزید و ارتباطات زنجیره‌ای را برجسته کرد که در میان حوزه‌های فرهنگی وجود دارد. هویت ملی اساساً پدیده‌ای است چند بعدی، هرگز به عنصری تک بعدی و یگانه تبدیل نخواهد شد. حتی اگر چند دستگی و نفاق وجود داشته باشد، هرگز نمی‌توان آن افراد را به حالتی مصنوعی و ساختگی برانگیزاند.

آنتونی اسمیت هویت ملی را باز تولید و باز تفسیر دایم الگوی ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی می‌داند که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو و میراث و با عناصر فرهنگی‌اش صورت‌پذیر است (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۵). در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت هویت ملی معناسازی بر مبنای مجموعه‌ای به هم پیوسته از ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی، سیاسی و جغرافیایی است که طی آن افراد در چارچوب عضویت در یک جامعه سیاسی، در قبال آن احساس همبستگی، تعهد و وفاداری می‌کنند.

### هویت قومی

مفهوم قومیت نیز از مفاهیمی است که تعریف ثابتی بر آن متصور نیست. کثرت تعاریف و ویژگی‌های قومیت یا فقدان تعریف در بسیاری از منابع باعث مخدوش شدن مفهوم عام قومیت و مفاهیم وابسته به آن شده است. با توجه به این واقعیت بود که تالکوت پارسونز در پی تلاش برای تعریف این واژه آن را "فوق‌العاده‌آمیز" خواند. بنابراین، هویت قومی ساختاری چند بعدی و دینامیک است که شامل نوع شناسایی و حس پیوستگی افراد با گروه قومی‌شان و نیز دانش و نگرشی است که نسبت به پیش‌زمینه‌های قومی‌شان دارند (کورنمو، ۲۰۰۴). همچنین، تعریف پیشنهادی مریام وبستر این ترکیب را به صورت "ازدیاد رابطه با گروه‌های بزرگ مردم که طبق مبدأ با زمینه نژادی، ملی، قبیله‌ای، مذهبی، زبانی یا فرهنگی شباهت دارند" تعریف می‌کند (وبستر، ۲۰۰۶). طبق آنچه گفته شد، می‌توان هویت قومی را چنین تعریف کرد: مجموعه‌ای از افراد با قلمرو [زندگی] تاریخی یکسان، خاطره‌های تاریخی و اسطوره‌های مشترک و نیز فرهنگی همگانی و اقتصادی مشترک، که در چنین اجتماعی افراد دارای حقوق و وظایف قانونی همسان‌اند. بنابراین، بختیاری همراه با سنن و شیوه‌های خاص زندگی، خود را از سایر اقوام ایرانی متمایز می‌سازند. هرچند ممکن است برخی از این مؤلفه‌ها به گونه‌ای در اقوام دیگر مشابه باشد، ولی نحوه معیشت و زیست، الگوی سکونت و باورها، سنت‌ها و آداب و رسوم از جمله ویژگی‌هایی است فقط معرف بختیاری‌هاست.

### چارچوب مفهومی و نظری

حوزه بررسی رابطه هویت ملی و قومی نیز همانند سایر حوزه‌ها در جامعه‌شناسی دارای نظریه‌هایی است که شکل‌گیری هر نظریه با توجه به زمان و بعضاً مکان خاصی بوده است. با این حال، باید توجه داشت که هر نظریه‌ای، حتی با وجود نقطه ضعفی که دارد، میزانی از تبیین واقعیت را نیز در خود دارد. از طرف دیگر، باید توجه داشت که هیچ نظریه‌ای کاملاً نمی‌تواند همه واقعیات موجود را تبیین کند؛ زیرا هیچ نظریه‌ای به گونه‌ای جامع و مانع نیست که بتوان گفت کامل است. نظر به این اوضاع و احوال، محقق باید دست به انتخاب مناسب‌ترین نظریه بزند. از طرف دیگر، نظر به این که در این تحقیق به دنبال بررسی رابطه بین هویت ملی و قومی بوده‌ایم، فقط چارچوب نظری رهیافت دوبعدی تکثرگرایی می‌توانست در این کار گره‌گشا باشد. این رهیافت خواهان توجه به دل‌بستگی فرد هم به فرهنگ قومی و هم به فرهنگ ملی است. بنابراین، کلاً می‌توان گفت که نظریه‌های منتخب تحقیق ناظر به رهیافت دو بعدی تکثرگرایی است.

### نظریه‌های جامعه‌شناختی روابط گروه‌های قومی

نظریه‌های روابط قومی را می‌توان در سه گروه بررسی کرد. این سه نظریه عبارت‌اند از هم‌نوایی با گروه مسلط<sup>۱</sup>، ذوب فرهنگ‌ها<sup>۲</sup> و تکثرگرایی فرهنگی<sup>۳</sup>.

### نظریه هم‌نوایی با گروه مسلط

به اعتقاد شارع پور، این نظریه یکی از قدیمی‌ترین نظریات مربوط به تعامل قومی و بر این باور است که "گروه اقلیت نسبت به گروه اکثریت در موقعیت پایین‌تر و پست‌تری قرار دارد". بر اساس این نظریه، در جریان تعامل قومی، گروه اکثریت ثابت مانده و تغییری نمی‌کند، در حالی که گروه اقلیت با تغییر خود را شبیه به جامعه اکثریت می‌سازد (شارع پور، ۱۳۷۹). این امر به معنای هم‌نوایی کامل اعضای گروه قومی در فرهنگ مسلط است. شاید بتوان این نظریه را در قالب معادله ذیل نشان داد که در آن، A معرف یک گروه قومی و B معرف گروهی دیگر و علامت پیکان دو سویه نشان‌دهنده تعامل بین دو گروه است:

$$A \leftrightarrow B = A$$

بدین ترتیب، این نظریه از جذب نهایی گروه قومی در جامعه اصلی طرفداری می‌کند (شارع پور، ۱۳۸۳).

### ذوب فرهنگ‌ها

به زعم شارع پور، این نظریه به مخالفت با فرضیات دیدگاه هم‌نوایی با گروه مسلط پرداخت. در نقطه مقابل نظریه هم‌نوایی، نظریه ذوب فرهنگ‌ها، شبیه‌سازی را فرایند دو سویه‌ای می‌داند که در جریان آن، هر دو گروه (اقلیت و اکثریت) بر اثر تعامل دچار تغییر شده و هویت جدیدی می‌یابند.

1-Anglo- Conformity

2-Melting Pot

3- Cultural Pluralism

نام این تئوری از نمایشنامه زنگویل<sup>۱</sup> تحت عنوان دیگ مذاب، است که برای اولین بار در سال ۱۹۰۸ به اجرا در آمد. منظور از اصطلاح دیگ مذاب بروز تغییرات بنیادی است. به اعتقاد زنگویل، در جریان فرایند ذوب، هر دو گروه اقلیت و اکثریت تغییر می‌یابند و جامعه‌ای جدید و منحصر به فرد به وجود می‌آید. این نظریه را می‌توان با معادله ذیل نشان داد که در آن A معرف گروهی قومی، B معرف یک گروه دیگر و C نشان دهنده گروهی با هویتی جدید است:

$$A \leftrightarrow B = C$$

در واقع، در این حالت دو یا چند گروه با یکدیگر ترکیب شده و گروه جدیدی پدید می‌آورند که با همه اجزای تشکیل‌دهنده آن متفاوت است. آنچه با استفاده از این نظریه نمی‌توان تبیین کرد این است که چگونه گروه‌های قومی مختلف هویت قومی خود را حفظ می‌کنند. بنابراین، هر دو نظریه هم‌نوایی با گروه مسلط و ذوب فرهنگ‌ها دارای فرضیه مشترکی‌اند و آن محو هویت گروه‌های قومی در جامعه است. نظریه ذوب فرهنگ‌ها نیز از سوی دانشمندان با انتقادات بسیاری مواجه شده است (شارع پور، ۱۳۸۳).

### تکثرگرایی فرهنگی

در اواسط دهه ۱۹۶۰ بود که تکثرگرایی فرهنگی به منزله دیدگاه ضد شبیه‌سازی به رهیافت جدیدی در قلمرو جامعه‌شناسی روابط قومی تبدیل شد. تکثرگرایی فرهنگی خواهان تساوی بین افراد از اقلیت‌های قومی مختلف بوده، حفظ و بقای فرهنگ‌های گروه‌های قومی را ارزش می‌نهد. ایده زیر بنایی این است که هر فرهنگی می‌تواند چیزی ارزشمند به جامعه عرضه کند. بدین ترتیب، تکثرگرایی فرهنگی خواهان حفظ حیات قومی همه گروه‌های قومی در چارچوب جامعه اصلی است (شارع پور، ۱۳۷۹). این نظریه را می‌توان با معادله ذیل نشان داد:

$$B + A = B \leftrightarrow A$$

بدین ترتیب، شارع پور می‌گوید بر اساس این دیدگاه، خوبی‌ها و زیبایی‌های فراوانی در تنوع فرهنگی وجود دارد. در واقع، از نقطه نظر این دیدگاه، گروه‌های قومی حق دارند زبان و فرهنگ خاص خود را حفظ کنند و از جامعه انتظار داشته باشند تفاوت‌های آنها را به رسمیت بشناسد. در این معنا، تکثرگرایی به معنی تلاش آگاهانه اعضای گروه‌های قومی برای حفظ اجزای اساسی فرهنگ قومی است. تکثرگرایی به دنبال تأمین دو هدف است: یک، مساوات اجتماعی که از طریق آن تأمین شرایط زندگی مناسب برای همه گروه‌ها، اعم از اقلیت و اکثریت، صورت پذیرد. دو، به رسمیت شناختن اجتماعی که از طریق آن، به گروه اقلیت شانس و امکان حفظ و توسعه فرهنگ خاص داده شود. در چارچوب سیاست تکثرگرایی، تنوع فرهنگی سرمایه‌ای است که می‌باید به افزایش آن توجه داشت. از ایده تکثرگرایی فرهنگی گاه با نام "دموکراسی فرهنگی" یاد می‌شود. به گروه‌های قومی اجازه داده می‌شود تا تمایز خویش و ارزش‌ها و هنجارهای خاص فرهنگ خود را حفظ کنند. در واقع، دیدگاه تکثرگرایی خواهان تنوع و گوناگونی است، زیرا بر این باور است که وجود تنوع به جامعه قوت و توان بیشتری می‌بخشد. البته مفهوم تکثرگرایی به دو بخش تکثرگرایی فرهنگی و تکثرگرایی ساختاری قابل تقسیم است. تکثرگرایی فرهنگی به این معنا است



که گروه قومی ویژگی‌های فرهنگی خاص خویش نظیر زبان، آداب و رسوم را حفظ کند. اما تکثرگرایی ساختاری بر این امر دلالت دارد که اعضای گروه قومی بیشتر با یکدیگر در تعامل اجتماعی باشند تا با اعضای برون‌گروه‌ها (همان).

در این صورت، نظریات موجود در حوزه روابط میان گروه‌های قومی را می‌توان بر حسب گرایش آنها به سوی دیدگاه شبیه‌سازی یا تکثرگرایی فرهنگی تقسیم و از هم تفکیک نمود. به عنوان مثال نظریه هویت اجتماعی به طور ضمنی از نوعی شبیه‌سازی حمایت می‌کند، زیرا فرض بر این دارد که تقلیل و محو برجستگی مرزهای گروهی سبب بهبود روابط میان گروه‌ها خواهد شد. بعد از رواج ایده تکثرگرایی فرهنگی، تحقیقات بیشماری درباره رابطه شبیه‌سازی با همانندی قومی صورت گرفت. می‌توان چارچوب‌های نظری این تحقیقات را در قالب دو پارادایم اصلی تقسیم‌بندی نمود. سوال مهم نظری این است که آیا هویت قومی الزاماً با شبیه‌سازی پیوند دارد یا برعکس، این دو فرآیند از هم مستقل می‌باشند. در این رابطه، دو الگو متمایز پیشنهاد گردیده است. در مطالعه گروه‌های قومی، اغلب از دو رهیافت اساسی برای بررسی رابطه بین شبیه‌سازی و هویت قومی استفاده شده است: الگوی خطی و الگوی دو بُعدی (شارع‌پور، ۱۳۸۳).

### رهیافت خطی

دیدگاه‌های اولیه درباره رابطه میان شبیه‌سازی و هویت قومی اساساً از نوع خطی بود. رهیافت خطی با این فرض پیش می‌رود که اگر گروه‌های قومی وابستگی و تعلق خاطر قومی خود را حفظ کنند، آن‌گاه درجه ادغام آنان در جامعه اصلی ضعیف خواهد بود. بر عکس، اگر درجه ادغام این گروه‌ها در جامعه اصلی قوی باشد، در آن صورت دارای تعلق و وفاداری قومی ضعیفی خواهند بود. بدین سان، این الگو معتقد به نوعی رابطه خطی ساده بین شبیه‌سازی و هویت قومی است. در واقع، در این الگو فرهنگ قومی و فرهنگ ملی دو سر یک طیف‌اند. به موازات پذیرش و اکتساب هنجارها و پیوندهای جدید، هنجارها و پیوندهای قدیمی رها می‌شوند (شارع‌پور، ۱۳۷۹). لذا بر حسب این الگو، هر چه درجه شبیه‌سازی افراد بیشتر باشد، درجه همانندی آنها با ریشه قومی (ضعیف‌تر خواهد بود). به عبارت دیگر، فرض اساسی این الگو این است که قوی شدن یک طرف برابر است با تضعیف طرف دیگر. در این معنا، فرهنگ قومی و فرهنگ مسلط غیرقابل جمع و سازش قلمداد می‌شوند. در کل، در الگوی خطی فرد مجبور است با قبول یک فرهنگ، فرهنگ دیگر را کنار بگذارد و لذا، دل‌بستگی همزمان به هر دو فرهنگ غیرممکن است (شارع‌پور، ۱۳۸۳).

### رهیافت دو بُعدی

این رهیافت قائل بدان است که همانندی با فرهنگ قومی و فرهنگ مسلط دو فرایند مستقل از یکدیگرند. لذا، بر اساس این الگو، پذیرش هویت قومی الزاماً دلالت بر رابطه ضعیف با جامعه مسلط ندارد. پدیدایی رهیافت دو بُعدی امری نسبتاً جدید است. طرفداران این رهیافت خواهان توجه و دل‌بستگی فرد،

هم به فرهنگ قومی و هم به فرهنگ مسلمانند (شارع پور، ۱۳۷۹). بنابراین، طرفداران این رهیافت بر این باورند که شاخص‌های قومی نظیر زبان و لباس ممکن است در طول زمان تغییر کند، اما فرایند خود همانندسازی الزاماً دچار تغییر نمی‌شود. در این معنا، گروه قومی ممکن است دارای شبیه‌سازی رفتاری قوی باشد، درحالی که کماکان حس همانندی قومی قوی نیز داشته باشند. به عبارت ساده‌تر، اعضای گروه‌های قومی ممکن است بدون از دست‌دادن هویت قومی خود دچار شبیه‌سازی با فرهنگ مسلط شوند. بدین ترتیب در چارچوب این رهیافت، همانندسازی با فرهنگ قومی و با فرهنگ مسلط به عنوان دو بُعد جدا از هم در نظر گرفته می‌شود. بری<sup>۱</sup> اعتقاد دارد که نگرش فرد نسبت به تقویت روابط برون‌گروهی و نسبت به حفظ همانندی قومی، مستقل از یکدیگرند. لذا فرد می‌تواند هم دارای همانندی قومی قوی باشد و هم با فرهنگ مسلط روابطی قوی برقرار کند. با انتقاد از رهیافت خطی، بری معتقد است که دو سوال اساسی برای همه افراد و گروه‌های قومی وجود دارد. اول این‌که آیا به دنبال برقراری روابط مثبت با جامعه مسلط برآمده‌ایم؟ و دوم، آیا هویت فرهنگی ما دارای ارزشی برای حراست و پاسداری است؟ نکته دیگری که ذکر آن حائز اهمیت است، اهمیت همانندی با چند فرهنگ برای عملکرد و کارکرد روانی اقلیت‌های قومی است. این‌که آیا همانندی با فرهنگ قومی سبب کاهش استرس روانی در میان اعضای گروه‌های قومی می‌شود یا همانندی با فرهنگ مسلط، موضوع مطالعات بیشماری بوده است. طرفداران مدل دو بعدی بر این باورند که همانندی با فرهنگ قومی همراه با احساس فهم و احساس تعلق به فرهنگ مسلط سبب بهبود کارکرد روانی میان اعضای گروه‌های قومی می‌شود (شارع پور، ۱۳۸۳).

بنابراین، در این پژوهش از نظریه رهیافت دو بعدی تکثرگرایی فرهنگی برای تبیین رابطه بین هویت ملی و قومی بختیاری‌ها استفاده شده است. برای سنجش این رابطه، چهار شاخص برای مؤلفه فرهنگ ملی و همچنین چهار شاخص برای مؤلفه فرهنگ قومی در نظر گرفته شده که در نتیجه، واکنش پاسخگویان نسبت به هر یک از این گویه‌ها، نشان‌دهنده شدت میزان گرایش آنها به مؤلفه‌های مذکور است.

## قلمرو بختیاری‌ها

بررسی منطقه اقوام و گروه‌های اجتماعی گوناگون برای آشنایی با ویژگی‌های آنها اهمیت فراوانی دارد. "مشخص کردن موقعیت مکانی مردمانی که هر گروه از آنان به شکلی امرار معاش و زندگی می‌کنند و به طور ناهمگون در منطقه خود فعال هستند کار مشکلی است" (آهنجیده، ۱۳۷۴: ۱۳). این منطقه شامل شهرهای "داران" و "فریدون شهر" در استان "اصفهان"، "الیگودرز" و "درود" در استان "لرستان"، "مسجدسلیمان"، "ایذه"، "رامهرمز"، "شوشتر"، "دزفول" و "اندیمشک" در استان خوزستان و "کوه‌رنگ"، "فارسان"، "لردگان" و "بروجن" در استان چهارمحال و بختیاری است. در میان این استان‌ها، خوزستان قسمت قشلاقی، و سایر شهرها قسمت بیلاقی منطقه بختیاری محسوب می‌شوند. اصولاً، محلی که اکنون بختیاری نامیده می‌شود، منطقه‌ای جغرافیایی است که نام خود را از ایل بختیاری گرفته است. "این منطقه بین مدارهای ۳۱ درجه و ۱۶ دقیقه شمالی رامهرمز و ۳۳ درجه و ۲۲ دقیقه

شمالی الیگودرز قرار دارد و تقریباً بیش از ۲ درجه و ۶ دقیقه عرض شمالی را می‌پوشاند. از نظر طول جغرافیایی بین نصف النهار ۴۸ درجه و ۵۰ دقیقه شرقی شوشتر و ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه شرقی بروجن قرار دارد که حدود ۲/۹ درجه و ۳۲ دقیقه طول جغرافیایی را در نظر می‌گیرد" ( قربان پوردستکی: ۱۳۸۱). باید توجه داشت که این منطق به علت تغییر و تحولات سیاسی و روی کار آمدن حکومت‌های جدید و همچنین هم‌مرز بودن با اقوام همسایه مانند اعراب، قشقایی‌ها، لرهای کهگیلویه و بویر احمد و لرهای ساکن لرستان دائماً درگیر جنگ بود و این عوامل باعث افزایش یا کاهش محدوده ایل بختیاری شده‌اند. به هر حال دو دیدگاه دربارهٔ وسعت منطقه بختیاری وجود دارد. دیترا امان وسعت این منطقه را ۳۰۵۰۰ کیلومتر مربع و در سال ۱۳۲۷ هجری حدود ۴۶۲۰۰ کیلومتر مربع دانسته است. ( امان، ۱۳۶۷: ۲۹) و پی‌یر دیگر وسعت این منطق را ۷۵ هزار کیلومتر مربع دانسته است. (پی‌یر دیگر، ۱۳۶۶: ۲۳). اما حدود این ناحیه، از شمال به اصفهان، از شرق به کهگیلویه و بویر احمد و فارس، از جنوب به خوزستان و از مغرب به لرستان منتهی می‌شود (نیکزاد امیرحسینی، ۱۳۵۴: ۳۴۶). گارثویت نیز این منطقه را به سه بخش تقسیم می‌کند: ۱. کناره‌ها و حواشی باریک دشت خوزستان، محل گرمسیر یا قشلاق و قلمرو ده نشینان یا یکجانشینان بختیاری ۲. کوهستان‌های بختیاری، محل ییلاق یا سردسیر ایل بختیاری ۳. فلات میانی، منطقه وسیعی که هم چراگاه احشام ایل بختیاری و هم سکونتگاه تعدادی از طوایف غیرمهاجر بختیاری در دهات و روستاهای گوشه و کنار آن محسوب می‌شود. بین مردم بختیاری این سه بخش به نام‌های میان کوه، پشت کوه، و پیش کوه نام گذاری شده است (گارثویت، ۱۳۷۳: ۴۷، ۴۸). گفتنی است منطقه بختیاری به جهت ویژگی‌های اقلیمی و جغرافیایی دارای دو قلمرو کاملاً متمایز ییلاق (سردسیر) و قشلاق (گرمسیر) است.

### منطقه ییلاقی

قلمرو سردسیر بختیاری از شمال و جنوب به رودخانه کارون محدود می‌گردد. سرحدات غربی عمدتاً به جاده‌ای که از گتوند به طرف آب دز امتداد می‌یابد ختم می‌شود. سرحدات شمالی نیز به مناطق کوهستانی منتهی می‌شوند. در این نقطه، با چرخشی خاص قسمتی از مناطق خمین و خوانسار را در نواحی جنوبی در بر می‌گیرد و آن‌گاه در محلی از جنوب خوان به طرف جنوب و جنوب شرقی ادامه می‌یابد و سرانجام زاینده رود را در نزدیکی چادگون قطع می‌کند و مستقیماً از گردنه رخ می‌گذرد و به سرحدات جنوب غربی اصفهان محدود می‌گردد (مکبن روز، ۱۳۷۳: ۵۷). آب و هوای قسمت ییلاقی بر اثر عوامل مؤثر جوی، دارای خصوصیات ویژه‌ای است که مهمترین آنها زمستان‌های بسیار سرد و تابستان‌های معتدل و کوتاه است. ارتفاعات بیش از دو هزار متری موجب شده که در اکثر نقاط آن، از اواسط فصل پاییز تا فروردین برف ببارد و حرارت منطقه از حد معینی تجاوز نکند. از اواخر اردیبهشت، هوا رو به اعتدال می‌گذارد و تا اواسط مرداد رو به گرمی می‌رود. گرم‌ترین ماه‌های سال تیر و مرداد است و پر باران‌ترین مکان‌ها، قسمت‌هایی است که ارتفاع کمتری دارند.

### منطقه قشلاق

گرمسیر بختیاری در حدود هزار مایل وسعت دارد و کلاً مناطق جنوبی کارون را در بر می‌گیرد. سکنه این نواحی عموماً جزء قلمرو بختیاری به حساب می‌آیند. در شمال و غرب این ناحیه رودخانه کارون و در شرق، ارتفاعات منگشت و کهگیلویه قرار دارد. ولی سرحدات جنوبی آن به وضوح مشخص نیست و احتمالاً تا چند مایل نواحی جنوبی رامهرمز، نزدیک شوشتر را شامل می‌شود. سکنه گرمسیر بختیاری را طوایف دهنشین چهارلنگ و تیره‌های کوچرو هفت لنگ تشکیل می‌دهند. طوایف هفت لنگ این منطقه تقریباً هشت برابر چهارلنگ‌هایند (مکین روز، ۱۳۷۳: ۵۸).

### میراث فرهنگی بختیاری‌ها

در میان بختیاری‌ها آداب و رسوم سابقه‌داری از گذشته تا کنون به یادگار مانده است که برخی از این رسوم ریشه در دوران‌های قبل از زرتشت و عهد پرستش مظاهر طبیعت دارند. از جمله دلایل حفظ این قواعد زندگی و آداب اجتماعی پس از قرن‌های متمادی، «موقعیت جغرافیایی» بختیاری است. از میان آداب اجتماعی و عادات قومی بسیار کهن که تاکنون بر جای مانده و دارای ارزش و احترام است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: هنوز در میان بختیاری‌ها آداب و رسومی باستانی یافت می‌شود که البته رفته‌رفته در حال از بین رفتن است. توصیفی که در شاهنامه درباره «خاک سپاری مردگان» وجود دارد همانند رسم خاکسپاری بختیاری است که از سال‌ها پیش در میان این مردم مرسوم بوده است. چنان‌که جنازه را با اسب و موسیقی به سمت گورستان می‌برند. اعتقاد به خیر و شر روزها بر اساس حرکت ستارگان و تنظیم کوچ و سفرهای طولانی بر اساس این باور یکی دیگر از این آداب و رسوم است. در میان بختیاری‌ها، اشعار حماسی شاهنامه فردوسی از جمله مهم‌ترین ادبیات است که از جمله آداب و رسوم باقی مانده از گذشتگان است که تا حدودی جایگاه سابق خود را در میان مردم از دست داده است.

### نژاد

سرزمینی که بختیاری‌ها در آن زندگی می‌کرد، ۵۵۰ سال پیش در تصرف عیلامیان بود. پارسیان نیز آمدند و رفته‌رفته فرهنگ عیلامی را تغییر دادند و فرهنگ ایرانی را جایگزین آن کردند. بنابراین، بختیاری‌ها یکی از اقوام ساکن ایران و شعبه‌ای از قوم پارس‌اند. همچنین، لباس بختیاری‌ها از هر حیث با تن پوش تندیس‌هایی که در زمان هخامنشی و ساسانی بر روی صخره‌های «کول فرح» و «اشکفت سلمان» (در ایذه کنونی) حجاری شده و باقی است مطابقت دارد (گارثویت، ۱۳۷۵: ۵۶). بنابراین، به نظر می‌رسد نژاد بختیاری با توجه به شواهد زیر به نژاد پارس‌ها و آریایی‌ها تعلق داشته و این امر قابل قبول‌تر است. حضور قوم پارس در سرزمین بختیاری و تشکیل دولت محلی با نام «انسان» در ایذه کنونی و نیز آثار بر جای مانده از پارس‌ها در سرزمین بختیاری مانند «برد نشانده» و «آتشکده سر مسجد» در مسجد سلیمان و بالاخره شباهت لباس زنان و مردان بختیاری با پارس‌ها شواهد این ادعاست. از سوی دیگر بختیاری‌ها از باز ماندگان تمدن ماد و نماد تاریخ کهن ایرانی در درازای تاریخ و تمدن ایران

زمین‌اند. گریشمن، باستان‌شناس معروف و مشهور فرانسوی، می‌نویسد من جایی از این سرزمین «بختیاری» پا نگذاشته‌ام، مگر اینکه تمدن عیلامی را یافته‌ام.

## زبان

بررسی‌های زبان‌شناسی نشان می‌دهد که بختیاری‌ها به پارس‌ها وابسته بودند و قومی باستانی‌اند و از نظر زبان‌شناسی هنوز می‌توان بعضی از واژه‌ها را که تشابه فراوانی با زبان فارسی باستان دوره هخامنشی و به ویژه زبان پهلوی ساسانی دارد در گویش بختیاری یافت. از طرفی، گویش بختیاری یکی از گویش‌های ایرانی است که در آن، صورت‌های قدیمی فارسی باستان، پهلوی و فارسی دری موجود است و پیشینه دیرینه‌ای دارد (قربان پور دستکی، ۱۳۸۱: ۱۷۸). در کل ارتباط گویش بختیاری با زبان فارسی بیش از دیگر گویش‌ها است و کمتر گویشی وجود دارد که این همه به فارسی نزدیک باشد.

## جامعه آماری

همهٔ خانواده‌های بختیاری شش شهر بختیاری نشین استان خوزستان، چهارمحال و بختیاری و لرستان یعنی مسجده سلیمان، ایذه، کوه‌رنگ، اردل، الیگودرز و درود جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. اما از آنجا که به سبب محدودیت‌های زمانی و مالی امکان پیمایش در سراسر این استان‌ها وجود نداشت، بختیاری‌های ساکن این شهرها را به نمایندگی از این قومیت برای انجام پیمایش انتخاب کردیم. با توجه به محدودیت زمانی حجم نمونه در هر یک از این شهرها بر اساس جمعیت آن شهر در نظر گرفته شد. بر اساس آمار به دست آمده از مرکز آمار ایران در سال تحصیلی ۱۳۸۵، مجموعه جمعیت شهرها ۷۳۵۷۷۳ نفر هستند، که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه تحقیق ۳۸۵ نفر است.

## روش تحقیق

روش تحقیق از نوع روش پیمایشی است و ابزار اندازه‌گیری آن پرسشنامه محقق ساخته است. پرسشنامه بر اساس مقایسه طیف لیکرت تنظیم و سؤال‌های آن از نوع باز و بسته پنج گزینه‌ای است. این سؤال‌ها برای سنجش میزان شدت گرایش شاخصه‌های هویت ملی و هویت قومی و در مجموع، برای سنجش و به دست آوردن رابطه بین این دو نوع هویت تنظیم شد. همچنین، نظر به گستردگی حوزه تحقیق تلاش می‌شود از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شود و بلوک‌های ساختمانی به مثابه صفت کمکی مورد استفاده قرار گیرد. از هر استان به صورت تصادفی دو شهر انتخاب شد و سپس، شهر به چهار منطقه تقسیم شد و نمونه‌های مورد نظر با استفاده از بلوک‌های ساختمانی در هر شهر مشخص شدند. هر بلوک به صورت یک خوشه تلقی شده و از هر خانوار یک نفر عضو بالای بیست سال مورد پرسش واقع شده است. برای روایی پرسشنامه از ضریب الفای کرونباخ استفاده شد و برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss استفاده شده است.

جدول شماره ۱: نتایج تحلیل روایی متغیرهای اصلی تحقیق (n=۳۸۵)

ردیف	متغیر	تعداد گویه ها	ضریب روایی
۱	هویت ملی	۲۹	۸۶
۲	هویت قومی	۲۱	۸۹

### توصیف داده‌ها

بررسی‌های توصیفی آمارهای ساده و اولیه‌ای را فراهم می‌کند که می‌توان تحلیل‌های تبیینی را بر اساس آنها صورت داد. همچنین، آمارهای توصیفی می‌توانند به شناخت کامل تر جامعه مورد بررسی کمک کنند.

### توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت

جدول شماره ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنس	تعداد	درصد فراوانی
مرد	۲۲۰	۵۷/۱
زن	۱۶۵	۴۲/۹
جمع کل	۳۸۵	۱۰۰

بر اساس داده‌های جدول می‌توان گفت از ۳۸۵ نفر تعداد کل پاسخگویان مورد مطالعه، ۲۲۵ نفر مرد و ۱۶۵ نفر زن بودند که درصد هر یک از آنها نسبت به درصد کل پاسخگویان به ترتیب برای مردان ۵۷ درصد و برای زنان ۴۳ درصد است. آنچه قابل توجه به نظر می‌رسد این است که نسبت مردان در حدود ۱۴ درصد بیشتر از زنان است، زیرا مردان نسبت به زنان در گروه‌های متعدد و بیشتری عضویت داشته و در اجتماعات بیشتری مشارکت دارند و راحت تر قابل دسترسی بوده‌اند.

### توزیع پاسخگویان بر حسب سن

جدول شماره ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب سن

سن	تعداد	درصد راوانی
۱۸-۳۰	۳۴۰	۸۸.۳
۳۱-۴۳	۲۸	۷.۳
۴۴ به بالا	۱۷	۴.۴
جمع کل	۳۸۵	۱۰۰

چنان که ملاحظه می‌شود، افراد بر حسب سن به سه گروه تقسیم شده‌اند. هر چند در انتخاب افراد بر حسب سن هیچ گونه طبقه بندی‌ای قبل از توزیع پرسشنامه صورت نپذیرفت، اما سعی شد تا پاسخگویان از متفاوت حضور داشته باشد. نکته قابل توجه این است که به سبب آن که اکثریت جمعیت جامعه را

جوانان تشکیل می‌دهند، بیشتر پاسخگویان از این رده سنی بوده‌اند. بنابراین، چنان‌که در جدول مشاهده می‌شود، از ۳۸۵ نفر تعداد کل پاسخگو مورد مطالعه، بیشترین تعداد نمونه در گروه سنی ۱۸-۳۰ ساله واقع شده‌اند که شامل ۸۸ درصد پاسخگویان می‌شوند. ۳۱-۴۳ ساله ۷ درصد و ۴۴ به بالا نیز در حدود ۵ درصد پاسخگویان را تشکیل داده‌اند.

### توزیع پاسخگویان بر حسب سطح تحصیلات

جدول شماره ۴: توزیع پاسخگویان بر حسب تحصیلات

سطح تحصیلات	تعداد	درصد فراوانی
ابتدایی	۱۲	۳/۱
سیکل	۵۰	۱۳
دیپلم	۱۶۴	۴۲/۶
کاردانی	۷۴	۱۹/۲
لیسانس به بالا	۸۵	۲۲/۱
جمع کل	۳۸۵	۱۰۰

چنان‌که ملاحظه می‌شود، این متغیر در پنج سطح ابتدایی، راهنمایی، دیپلم، کاردانی و لیسانس به بالا قابل تقسیم بود. بنابراین، بیشترین تراکم به لحاظ میزان تحصیلات در بین دیپلم و لیسانس به بالا قرار دارد که از ۳۸۵ نفر پاسخگو، تعداد ۱۶۴ نفر (حدود ۴۲ درصد) دیپلم بودند، ۷۴ نفر (۱۹ درصد) کاردانی و ۸۵ نفر (۲۲ درصد) لیسانس به بالا میزان تحصیلات خود را گزارش داده‌اند. همچنین تعداد ۵۰ نفر (۱۳ درصد) راهنمایی و ۱۲ نفر هم (۳ درصد) ابتدایی بوده‌اند.

### توزیع پاسخگویان بر حسب درآمد خانواده

جدول شماره ۵: توزیع پاسخگویان بر حسب درآمد خانواده

درآمد	تعداد	درصد فراوانی
کمتر از صد هزار تومان	۲۲	۷/۵
صد تا دویست هزار تومان	۷۶	۷/۱۹
دویست تا سیصد هزار تومان	۱۴۰	۴/۳۶
بیشتر از سیصد هزار تومان	۱۴۷	۲/۳۸
جمع کل	۳۸۵	۱۰۰

بر اساس داده های جدول می توان گفت که وضع درآمد خانوادها با هم متفاوت است، به قسمی که ۱۴۷ نفر پاسخگویان یعنی حدود ۳۸ درصد آنها، دارای درآمدی بیشتر از سیصد هزار تومان هستند و ۱۴۰ نفر (نزدیک به ۳۶ درصد) دارای درآمد دویست تا سیصد هزار تومان دارند. در حالی که ۷۶ نفر پاسخگویان (تقریباً ۲۰ درصد) درآمدی بین صد تا دویست هزار تومان دارند و فقط ۲۲ نفر از پاسخگویان (حدود ۶ درصد) دارای درآمد پایین اند. این مطلب با توجه به اهمیت شغل مناسب و درآمد بالا برای مردان که یکی از شروط اصلی تشکیل خانواده است به واقعیت نزدیک است.

### توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	تعداد	درصد فراوانی
مجرد	۲۴۶	۹.۳۶
متاهل	۱۳۹	۱.۳۶
جمع کل	۳۸۵	۱۰۰

چنان که جدول زیر نشان می دهد، بیشترین پاسخگویان را مجردها تشکیل می دهند و از کل ۳۸۵ نفر پاسخگو، ۲۴۶ نفر مجرد و ۱۳۹ نفر متأهل اند که درصد هر یک از آنها نسبت به درصد کل پاسخگویان به ترتیب در حدود ۶۴ و ۳۶ درصد است.

### توزیع فراوانی پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین پاسخگویان

برای تعیین پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان از چند بعد درآمد خانواده، شغل، میزان تحصیلات والدین و وضعیت مسکن استفاده شده است. بعد شغل بر اساس نمره منزلت شغلی (ناییبی، ۱۳۸۱) به دست آمده و نهایتاً پس از استاندارد کردن ابعاد سه گانه فوق و ترکیب کردن آنها با هم متغیر مورد نظر به دست آمده است.

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی مطلق و درصدی پاسخگویان

بر حسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی

پایگاه اقتصادی - اجتماعی	فراوانی	درصد
پائین	۲۶	۷
متوسط رو به پائین	۹۲	۲۴
متوسط	۱۲۳	۳۲
متوسط رو به بالا	۹۷	۲۵
بالا	۴۷	۱۲
جمع کل	۳۸۵	۱۰۰



چنان که مشاهده می‌شود، نسبت پاسخگویان از نظر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، طبقه پائین در حدود ( ۷ درصد)، متوسط رو به پائین (درصد ۲۴)، متوسط (۳۲ درصد)، متوسط رو به بالا ( ۲۵ درصد) و بالا نزدیک به (۱۲ درصد) است. در کل، چنان که ملاحظه می‌شود، اکثریت پاسخگویان پایگاه اقتصادی - اجتماعی خود را متوسط ابراز نموده‌اند. نکته مورد توجه این‌که در آزمون فرضیه‌ها از این مفهوم (پایگاه اقتصادی - اجتماعی) بدون طبقه‌بندی استفاده شده است. از این رو، برای آزمون از ترکیب ابعاد چندگانه درآمد خانواده، شغل پدر و مادر و میزان تحصیلات پدر و مادر و وضعیت مسکن استفاده شده است.

### توزیع پاسخگویان بر حسب شهرستان

جدول شماره ۸: توزیع پاسخگویان بر حسب شهرستان

شهرستان	تعداد	درصد فراوانی
مسجد سلیمان	۱۱۴	۲۹/۵
ایذه	۸۷	۲۲/۵
کوه‌رنگ	۴۰	۱۰/۴
اردل	۳۵	۹/۳
الیگودرز	۶۹	۱۷/۹
ازنا	۴۰	۱۰/۴
جمع کل	۳۸۵	۱۰۰

داده‌های فوق نشان می‌دهد که از مجموع ۳۸۵ نفر پاسخگویان جامعه آماری تحقیق، شهرستان مسجد سلیمان با ۱۱۴ نفر پاسخگو (۲۹/۵ درصد) بیشترین تعداد پاسخگو و شهرستان اردل با ۳۵ نفر (۹/۳ درصد) کمترین تعداد پاسخگو را در میان جامعه آماری تحقیق قرار دارند. همچنین، به ترتیب اولویت بر اساس توزیع فراوانی شهرستان ایذه با ۸۷ نفر پاسخگو (۲۲/۵) در رتبه دوم، الیگودرز با ۶۹ نفر پاسخگو (۱۷/۹ درصد) در رتبه چهارم و شهرستان کوه‌رنگ و ازنا هر دو با ۴۰ نفر پاسخگو (۱۰/۴ درصد) در رتبه پنجم جمعیتی قرار گرفته‌اند.

### یافته‌های تحقیق

#### آماره‌های هویت ملی

برای سنجش این متغیر از چهار بعد در نظر گرفته شده که عبارت‌اند از ۱- بعد تاریخی هویت ملی، ۲- بعد جغرافیای هویت ملی، ۳- بعد فرهنگی هویت ملی، ۴- بعد زبانی هویت ملی استفاده شده است.

جدول شماره ۹: توزیع فراوانی پاسخ های پاسخگویان به معرف های هویت ملی

متغیر	ابعاد	گزینه	فراوانی	درصد
هویت ملی	بعد زبانی	کاملاً موافق	۲۷۲	۷۰
		موافق	۹۴	۲۴
		نظری ندارم	۱۹	۴
		مخالف	۲	۱
		کاملاً مخالف	۱	۱
		جمع کل	۳۸۶	۱۰۰
	بعد تاریخی	کاملاً موافق	۲۵۸	۶۷
		موافق	۱۰۲	۲۶
		نظری ندارم	۲۱	۵
		مخالف	۳	۱
		کاملاً مخالف	۱	۱
		جمع کل	۳۸۵	۱۰۰
	بعد جغرافیایی	کاملاً موافق	۲۴۱	۶۳
		موافق	۹۹	۲۶
		نظری ندارم	۳۱	۸
		مخالف	۹	۲
		کاملاً مخالف	۵	۱
		جمع کل	۳۸۵	۱۰۰
	بعد فرهنگی	کاملاً موافق	۲۰۶	۵۴
		موافق	۱۱۶	۳۰
		نظری ندارم	۴۴	۱۱
		مخالف	۱۱	۳
		جمع کل	۳۸۵	۱۰۰

جدول شماره ۹ نشان‌دهنده، توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف هویت ملی است. برای این منظور، از پاسخگویان خواسته شد تا میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از مقوله‌های مربوط به هویت ملی مشخص کنند. داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که هویت ملی پاسخگویان در سطح بالایی است. داده‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تراکم به لحاظ میزان گرایش به هویت ملی، در بعد زبانی هویت ملی است. این بعد از متغیر با پرسیدن میزان گرایش پاسخگو به زبان فارسی، آشنایی با شاعران ایرانی و به کارگیری ضرب‌المثل‌های ایرانی محاسبه شد. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که از ۳۸۵ نفر پاسخگو ۳۶۹ نفر (۹۴ درصد) به زبان فارسی عشق می‌ورزند و ۱۶ نفر (۴ درصد) نظری نداشتند و فقط ۳ نفر (۲ درصد) با این گزینه کاملاً مخالف و مخالف بوده‌اند. از طرف دیگر، مطابق جدول از کل ۳۸۵ پاسخگو، ۳۶۰ نفر تقریباً ۹۳ درصد میزان گرایش زیادی به بعد تاریخی هویت ملی داشته‌اند و ۲۱ نفر حدود ۵ درصد نیز میزان گرایش متوسطی را نشان می‌دهند. داده‌های فوق حاکی از آن است که میزان گرایش کم، توزیع بسیار پایینی داشته است. به عبارتی، فقط ۴ نفر (۲ درصد) گرایش کم به بعد تاریخی هویت ملی را گزارش کرده‌اند. از داده‌ها همچنین می‌توان استنباط کرد که بیشتر پاسخگویان گرایش

مثبت بالایی به بعد تاریخی هویت ملی داشته‌اند. عشق و دلبستگی به سرزمین، یکی از ابعاد اصلی هویت ملی بوده و از عوامل انسجام بخش آن به شمار می‌آید. همانگونه که در جدول مشخص است، در مجموع می‌توان گفت از ۳۸۵ نفر پاسخگو در حدود ۸۹ درصد میزان گرایش زیادی به بعد جغرافیایی هویت ملی داشته‌اند که نشان از دلبستگی شدید پاسخگویان به سرزمین ایران دارد. ۸ درصد گرایش متوسط و فقط ۳ درصد گرایش کمی به بعد جغرافیایی هویت ملی نشان داده‌اند. بنابراین، بررسی یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده آن است که شدت علاقه و وابستگی عاطفی به زاد بوم و ملی ابراز علاقه شدیدی کرده‌اند. آخرین بعد از هویت ملی بعد فرهنگی است که از ۳۸۵ نفر پاسخگو ۳۲۲ نفر (۸۴ درصد) گرایش زیاد و ۴۲ نفر (۱۱ درصد) گرایش متوسط و ۵ نفر (۴ درصد) گرایش کمی نسبت به بعد فرهنگی هویت ملی داشته‌اند.

### توزیع پاسخگویان بر حسب هویت ملی

جدول شماره ۱۰: توزیع فراوانی پاسخ‌های پاسخگویان به هویت ملی

متغیر	گزین	فراوانی	درصد
هویت ملی	کاملاً موافق	۲۱۷	۵۶
	موافق	۱۰۴	۲۸
	نظری ندارم	۳۷	۹
	مخالف	۱۵	۴
	کاملاً مخالف	۱۲	۳
	جمع کل	۳۸۵	۱۰۰

توزیع پاسخگویان بر حسب هویت ملی که از ترکیب هفت بعد آن حاصل آمده است، نشان می‌دهد که از ۳۸۵ نفر حجم نمونه کل جامعه ۳۲۱ نفر (۸۴ درصد) دارای میزان گرایش بالای به هویت ملی‌اند. از طرفی ۳۷ نفر (۹ درصد) گرایش متوسط و فقط ۲۷ نفر (۷ درصد) گرایش کمی نسبت به هویت ملی داشته‌اند. بنابراین، با توجه به جدول بالا می‌توان نتیجه گرفت که هویت ملی در بین پاسخگویان در حد بالایی شکل گرفته است.

## آماره‌های هویت قومی توزیع پاسخگویان بر حسب ابعاد هویت قومی

جدول شماره ۱۱: توزیع پاسخگویان بر ابعاد هویت قومی

متغیر	ابعاد	گزینه	فراوانی	درصد
	بعد زبانی	کاملاً موافق	۲۵۳	۶۶
		موافق	۱۰۱	۲۶
		نظری ندارم	۲۱	۵
		مخالف	۷	۲
		کاملاً مخالف	۳	۱
		جمع کل	۳۸۵	۱۰۰
	بعد تاریخی	کاملاً موافق	۲۶۲	۶۸
		موافق	۱۰۱	۲۶
		نظری ندارم	۱۷	۴
		مخالف	۳	۱
		کاملاً مخالف	۲	۱
		جمع کل	۳۸۵	۱۰۰
	بعد جغرافیایی	کاملاً موافق	۱۷۳	۴۵
		موافق	۷۲	۱۹
		نظری ندارم	۳۵	۹
		مخالف	۴۲	۱۱
		کاملاً مخالف	۶۳	۱۶
		جمع کل	۳۸۵	۱۰۰
	بعد فرهنگی	کاملاً موافق	۱۹۲	۵۰
		موافق	۱۲۷	۳۳
		نظری ندارم	۵۱	۱۳
		مخالف	۸	۲
		کاملاً مخالف	۷	۲
		جمع کل	۳۸۵	۱۰۰

جدول شماره ۱۱ نشان‌دهنده توزیع فراوانی گویه‌های مرتبط به هویت قومی است. در این جدول، چگونگی انتخاب گزینه‌ها در گویه‌های متفاوت نشان داده شده است. به این منظور، از پاسخگویان خواسته شد تا میزان موافقت یا مخالفت خویش را با هر یک از این مولفه‌ها مشخص کنند. چنان که ملاحظه

می‌شود، از بین ۳۸۵ انتخاب صورت گرفته به ترتیب اولویت برای هویت قومی بر اساس توزیع فراوانی، بعد تاریخی با ۹۴ درصد در رتبه اول و بعد جغرافیایی با ۶۴ درصد در رتبه آخر است. بنابراین، در بعد زبانی هویت قومی ۳۵۴ نفر از پاسخگویان معادل ۹۲ درصد افراد گزینه کاملاً موافق و موافق، ۲۱ نفر (معادل ۵ درصد) گزینه بی‌نظر و فقط ۱۰ نفر (برابر با ۳ درصد) گزینه مخالف و کاملاً مخالف را انتخاب کرده‌اند. از طرفی، چنان که جدول نشان می‌دهد، از بین پاسخ‌ها و نتایج به دست آمده از بین ۳۸۵ پاسخ بر اساس توزیع فراوانی بعد تاریخی هویت قومی به ترتیب ۳۶۳ نفر (در حدود ۹۴ درصد) دارای میزان گرایش بالایی بوده‌اند و ۱۷ نفر (برابر ۴ درصد) بی‌نظر بودند و نکته قابل توجه این است که فقط ۵ نفر از کل افراد (معادل ۲ درصد) میزان گرایش پایین به بعد تاریخی هویت قومی از خود نشان داده‌اند. همچنین، جدول نشان می‌دهد که ۶۴ درصد پاسخگویان میزان گرایش بالایی به بعد جغرافیایی هویت قومی داشتند و فقط ۹ درصد میزان گرایش متوسط و ۲۷ درصد دارای گرایش پایین بوده‌اند. همچنین، در جدول فوق ملاحظه می‌شود که بعد فرهنگی هنوز جایگاه خود را به منزله مهم‌ترین بعد در بین پاسخگویان حفظ کرده است و تمایل زیادی در بین پاسخگویان به بعد فرهنگی هویت دیده می‌شود. به عبارت دیگر، موافقت تعداد قابل توجهی از پاسخگویان به این بعد زیاد است. بدین ترتیب که ۳۱۹ نفر (در حدود ۸۳ درصد) از کل افراد دارای میزان گرایش بالایی به بعد فرهنگی بوده‌اند و ۵۱ نفر (برابر ۱۳ درصد) گرایش متوسط و فقط ۱۵ نفر (نزدیک به ۴ درصد) گرایش کمی به بعد فرهنگی هویت قومی داشته‌اند.

## هویت قومی

جدول شماره ۱۲: توزیع فراوانی پاسخ‌های پاسخگویان به هویت قومی

متغیر	گزینه	فراوانی	درصد
هویت قومی	کاملاً موافق	۲۱۵	۵۶
	موافق	۱۰۴	۲۷
	نظری ندارم	۳۸	۱۰
	مخالف	۱۳	۳
	کاملاً مخالف	۱۵	۴
	جمع کل	۳۸۵	۱۰۰

توزیع پاسخگویان به هویت قومی که از ترکیب شش بعد آن حاصل آمده است، نشان می‌دهد که از ۳۸۵ نفر حجم نمونه کل جامعه ۳۱۹ نفر (معادل ۸۳ درصد) دارای گرایش بالایی به هویت قومی‌اند. همچنین، ۳۸ نفر (۱۰ درصد) گرایش متوسط و فقط ۲۸ نفر (معادل ۷ درصد) گرایش کمی نسبت به هویت قومی داشته‌اند. بنابراین، با توجه به جدول بالا می‌توان نتیجه گرفت که هویت قومی در بین پاسخگویان در سطح بالایی شکل گرفته است.

### تحلیل داده‌ها

جدول شماره ۱۳: ضریب همبستگی گرایش به هویت ملی با ابعاد هویت قومی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
بعد زبانی هویت قومی	۰/۳۲۲	۰/۰۰۰
بعد تاریخی هویت قومی	۰/۳۵۴	۰/۰۰۰
بعد جغرافیایی هویت قومی	۰/۳۴۴	۰/۰۰۰
بعد فرهنگی هویت قومی	۰/۴۰۸	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۱۳ نشان می‌دهد که شدت رابطه به دست آمده بین گرایش به هویت ملی و ابعاد هویت قومی متفاوت است. به قسمی که بعد فرهنگی، بعد تاریخی، بعد جغرافیایی و بعد دینی هویت قومی بیشترین رابطه و بعد اجتماعی و بعد زبانی هویت قومی کمترین رابطه را با هویت ملی دارند. این نتیجه شاید به این علت باشد که زبان نقش و وسیله اولیه و صیقل یافته‌ترین واسطه در کنش و واکنش میان افراد در پی‌ریزی هویت قومی را عهده‌دار است و درعین حال، شاخص‌ترین عامل تمایز یک قوم و ملیت در مقابل دیگری به شمار می‌آید. در مجموع می‌توان گفت که بین میزان گرایش به هویت ملی و ابعاد هویت قومی بختیاری‌ها همبستگی وجود دارد و همه این همبستگی‌ها از لحاظ آماری معنادارند. بنابراین، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان پذیرفت که بین میزان گرایش به هویت ملی و ابعاد هویت قومی بختیاری‌ها رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد. بدین معنی که با افزایش میزان گرایش به هویت ملی میزان گرایش آنها به ابعاد قومی بختیاری‌ها نیز افزایش می‌یابد.

### هویت قومی و ابعاد هویت ملی

جدول زیر همبستگی هویت قومی پاسخگویان را با ابعاد هویت ملی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۴: ضریب همبستگی گرایش به هویت قومی و ابعاد هویت ملی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
بعد زبانی هویت ملی	۰/۲۸۳	۰/۰۰۰
بعد تاریخی هویت ملی	۰/۳۹۰	۰/۰۰۰
بعد جغرافیایی هویت ملی	۰/۲۸۷	۰/۰۰۰
بعد فرهنگی هویت ملی	۰/۳۹۹	۰/۰۰۰

همچنان که جدول فوق نشان می‌دهد، بین گرایش به هویت قومی و گرایش به ابعاد گوناگون هویت ملی همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد و این ضرایب همبستگی همگی در سطح ۹۹ درصد نیز

معنادارند، یعنی در پی افزایش میزان گرایش هویت قومی، میزان گرایش به ابعاد هویت ملی نیز افزایش می‌یابد. به طوری که ابعاد فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و زبانی هویت ملی بیشترین رابطه را با هویت قومی دارند.

### نتیجه‌گیری

نتایج سنجش میزان گرایش به ابعاد هویت ملی نشان می‌دهد که بین بختیاری‌ها، بیشترین میزان گرایش به هویت ملی به دو بعد زبانی (در حدود ۹۴ درصد) و بعد تاریخی (۹۳ درصد) ابراز شده است. علاوه بر این، میزان گرایش به هویت ملی در دو بعد جغرافیایی و فرهنگی به ترتیب نزدیک به (۸۹ و ۸۴ درصد) است. نکته دیگری که دلالت بر میزان گرایش به هویت ملی نزد بختیاری‌ها دارد پایین بودن نرخ پاسخ‌های مخالف و کاملاً مخالف به ابعاد هویت ملی است که حاکی از این معناست که درصد قابل توجهی از پاسخگویان (بختیاری‌ها)، زبان فارسی، تاریخ، جغرافیا و فرهنگ را به منزله ابعاد هویت ملی پذیرفته‌اند. همچنین، در بین ابعاد مورد بررسی میزان گرایش و دل بستگی نسبت به هویت ملی، گویه عشق به زبان فارسی و تمدن ایرانی، که یکی از برجسته‌ترین تمدن‌های جهان است، نزد بختیاری‌ها بیش از سایر عناصر هویت ملی است.

همچنین، نتایج نشان می‌دهد که میزان گرایش به هویت قومی نزد بختیاری‌ها بالاست. نتایج سنجش میزان گرایش به هویت قومی در نزد بختیاری‌ها حاکی از آن است که در همه ابعاد هویت قومی، درصد افرادی که موافقت خود را با سوالات ابراز داشته‌اند، به مراتب بیش از درصد کسانی است که با سوالات مذکور مخالفت ورزیده‌اند و این امر دلیل روشنی بر بالا بودن میزان گرایش به هویت قومی نزد بختیاری‌هاست.

نکته دیگر این که در بین گویه‌های مربوط به ابعاد هویت قومی نرخ موافقت با سوالات، «من به زبان مادریم عشق می‌ورزم» و «من به دانستن تاریخ بختیاری‌ها علاقه دارم» بیشتر از سایر عناصر هویت قومی است.

در جامعه چند قومی ایران، تعهد و دل بستگی ایرانیان به اجتماع ملی در پرتو تعهد و دل بستگی آنها به اجتماع قومی شناخته می‌شود. درک مراتب این دو نوع وفاداری همواره داری اهمیت اساسی است. نتایج بررسی نشان می‌دهد میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی در نزد بختیاری‌ها بالاست. در نتیجه، به نظر می‌رسد هرچه هویت قومی فرد بالا باشد، گرایش به هویت ملی نیز افزایش می‌یابد.

بنابراین، بین متفکران این حوزه دو دیدگاه وجود دارد. گروهی عقیده دارند هویت قومی و ملی هم‌عرض یکدیگرند، به قسمی که تقویت یکی به منزله تضعیف دیگری است. این گروه تعلقات محلی و قومی را مغایر تعلقات ملی در ابعاد گوناگون آن می‌دانند. گروه دیگری عقیده دارند که فرد هم می‌تواند دل بستگی به فرهنگ قومی و هم به فرهنگ ملی داشته باشد. لذا با توجه به این دیدگاه که رهیافت دو بعدی تکثرگرایی نام دارد، فرد می‌تواند هم دارای همانندی قومی قوی باشد و هم با فرهنگ مسلط روابطی قوی برقرار کند.

در نتیجه، بر اساس این پژوهش می‌توان گفت که هویت ملی و هویت قومی در بین بختیاری‌ها در طول همدیگرند و نه در عرض یکدیگر. همچنین، تحقیقاتی که در مناطق آذری و کردنشین ( مهاباد و تبریز)، و به طور اختصاصی در تبریز صورت گرفته یا تحقیقاتی که در مناطق ترکمن‌نشین صورت گرفته‌اند مصداق همین امر است. در این مناطق، هر جا هویت قومی بالا بوده، هویت ملی نیز بالا بوده است و با ضریب همبستگی بالایی این فرضیه تأیید شده است. بنابراین، شواهد تجربی تأییدکننده دیدگاه دوم است.

در نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان‌دهنده آن است که بختیاری‌ها گرایش فراوانی به هویت ملی دارند و در عین حال، به هویت قومی نیز میزان گرایش بالایی دارند. این بررسی ثابت کرد بختیاری‌ها نسبت به ابعاد هویت خود آگاهی دارند و به هر کدام از آنها علاقه شدیدی نشان داده‌اند. در میان ابعاد هویت قومی، بعد تاریخی و بعد زبانی، با حدود ۹۴ و ۹۲ درصد، بیشترین میزان گرایش و بعد زبانی و بعد فرهنگی، با ۸۱ و ۸۳ درصد، کمترین میزان گرایش به هویت قومی نزد بختیاری‌ها بوده است.

همچنین، نتیجه تحلیل داده‌ها حاکی از آن بود که میزان گرایش به ابعاد هویت ملی در بین بختیاری‌ها متفاوت است. بعد زبانی و تاریخی به ترتیب نزدیک به ۹۴ و ۹۳ درصد بیشترین میزان گرایش و بعد فرهنگی و جغرافیایی، با ۸۴ و ۸۹ درصد، کمترین میزان گرایش به هویت ملی در میان بختیاری‌ها را به خود اختصاص داده است.

بنابراین، بین میزان گرایش به هویت ملی و میزان گرایش به هویت قومی بختیاری‌ها همبستگی بالایی وجود دارد و این ارتباط در بین همه ابعاد هویتی در نظر گرفته شده وجود دارد و در مجموع، نتایج نشان می‌دهد بین هویت ملی و هویت قومی رابطه‌ای منفی وجود ندارد، بلکه رابطه مثبتی نیز بین این دو هویت وجود دارد. در آخر آن که، با افزایش میزان گرایش به هویت قومی بر میزان گرایش افراد به هویت ملی نیز افزوده می‌شود.

## منابع

- آهنجیده، اسفندیار (۱۳۷۴)، ایل بختیاری و مشروطیت، اراک: زرین.
- اسمیت، آنتونی دی (۱۳۸۳)، ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ، ترجمه منصور انصاری، تهران: تمدن ایرانی.
- امان‌اللهی، سکندر (۱۳۸۳)، "مناسبات قومی و وحدت ملی، بررسی موردی قوم لر"، تهران اداره کل شورای اجتماعی کشور: ۱۱۴-۱۱۱.
- امان، دیتر (۱۳۶۷)، بختیاری‌ها عشایر کوه نشین ایرانی در پویه تاریخ، ترجمه محسن محسنیان، مشهد: آستان قدس.
- احمدلو، حبیب (۱۳۸۳)، بررسی رابطه هویت ملی و قومیت در بین جوانان تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم اجتماعی.
- پردیگار، ژان (۱۳۶۶)، فنون کوچ نشینان بختیاری، ترجمه اصغر کریمی، مشهد: آستان قدس.



- سخاوتی فر، علی (۱۳۸۶)، بررسی رابطه هویت ملی و قومیت در بین ترکمن‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مازندران: دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اجتماعی.
- شارع پور، محمود (۱۳۷۹)، «نظریه‌های جامعه‌شناختی روابط گروه‌های قومی» در کتاب: هویت ملی، بررسی نقش اقوام، (مجموعه مقالات)، تهران، وزارت کشور: ۱۳۱-۱۴۵.
- ..... (۱۳۷۸)، "بررسی عوامل موثر بر شبیه‌سازی ساختاری و فرهنگی کودکان ایرانی در استرالیا"، در کتاب: گفتمان ایرانیان، مجموعه مقالات، تهران: فرهنگ ارتباطات اسلامی: ۲۰۱-۲۱۳.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نی .
- گارثویت، جن. راف (۱۳۷۳)، " تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری "، ترجمه مه‌راب امیری، تهران: سپند.
- مکین رز، الیزابت (۱۳۷۳)، با من به سرزمین بختیاری بیائید، ترجمه مه‌راب امیری، تهران: سپند.
- میلر، دیوید (۱۳۸۳)، " ملیت، داود غرایاق زندگی "، تهران مؤسسه مطالعات ملی، چاپ اول.
- نیکزاد امیر حسینی، کریم (۱۳۵۴)، شناخت سرزمین بختیاری: اصفهان .
- هیودی محمد، محمدرضا (۱۳۸۴)، نقش تمایلات قومی در مشارکت سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- Cubitt, G. (1998). Introduction in G. Cubitt (ed.) **Imagining Nations**, Manchester : Manchester University Press.
- Kvernom, S. ( 2004). ), Ethnic Identity and Acculturation Attitudes Among Indigenous Norwegian and Ethnocultural Kevn Adolescents, **Journal of Adolescent Research**, Vol. 19, No 5, 512-532.
- Lindd, P. Juang, and Lin, Y. (2006), Ethnic Identity, Other-Group Attitudes, and Psychosocial Function of Asian Amirican Emerging Adults From Two Contexts. **Journal of Adolescent Research**, Vol. 21, No 5, 542-568
- Umaña.T, A. J., and Fine, M. A.(2006), Examining a Model of Ethnic Identity Development Among Mexican-origin Adolescents Living in the U.S. Hispanic, **Journal of Behavioral Sciences**, Vol .26, 36-59.
- Webster, M. online.(2006), Retrieved May 17, 2003, from <http://www.m-w.com/cgi-bin/dictionary?Book=Dictionary&v=ethnic,28/10/1386>.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی